

نبض قم



روز پزشکان

۱۹  
دی

حضور پزشکان دوشادوش مردم در قیام تاریخی ۱۹ دی ماه





## سخن سردبیر

در جلسات و نشست های متعددی که داشتیم به این نتیجه ی مشترک رسیدیم که به دوراز حاشیه های سیاسی و بعضا مخرب اجتماعی، بتوانیم ضمن بهره مندی از اطلاعات صنفی، علمی، آموزشی و پژوهشی، دل های مهربان شما را نیز به هم نزدیک کنیم. در ابتدا نام نشریه را که لازم بود بیان گر ماهیت پزشکی و منتسب به سازمان نظام پزشکی استان قم باشد، به مسابقه گذاشتیم که در نهایت، با بررسی اسامی و رای اعضای هیئت تحریریه "نبض قم" را انتخاب نمودیم.

بدیهی است که برداشتن گام اول در هر کاری دشوار و بدون اشکال نیست، اما بر این باوریم که با همکاری شما سروران گرامی، گام های بلندترین را در آینده خواهیم داشت.

شما که گره گشای کار خلق و دستان شفا بخش خداوند روی زمینید

**صدها فرشته بوسه بر آن دست می زنند  
کز کار خلق یک گره بسته وانند**

محضر ارزشمند تمام اساتید گرانقدر و همکاران عزیز جامعه محترم پزشکی عرض سلام و ادب و احترام دارم.

خداوند بزرگ را شاکرم که جامه ی خادمی شما قشر فرهیخته را بر تن این حقیر نمود.

شما که در میان مردم، عزیز بودید و در دوران سخت کرونایی عزیزتر شدید و نشان دادید که علیرغم بسیاری از هجمه های اجتماعی، عزت و اعتبار، دست خداست و کماکان در راس عزیزترین قشر جامعه قرار دارید.

در راستای نشریه ای که پیش رو دارید، باید به عرض برسانم، در جامعه ی کنونی که وجود رسانه، جزو ملزومات و بدیهیات زندگی بشری محسوب می شود، بر آن شدیم تا به اتفاق سایر همکاران فعال و اندیشمند سازمان که اسامی آنها در شناسنامه نشریه، در معرض و نگاه های مهربان شماست، یک نشریه الکترونیکی را که بتواند به عنوان جایگاه و پایگاهی مستحکم، به تبادل اطلاعات پزشکی بپردازد، خلق کنیم.

## تلاش برای توسعه نشاط اجتماعی و فرهنگی در جامعه پزشکی استان قم

ولایی قم در دفاع از اسلام و روحانیت به خیابان‌ها آمدند که دوشادوش آنها، پزشکان نیز همراهی داشته و مجروحان بسیاری را که توسط رژیم سفاک پهلوی، به خاک و خون کشیده شده بودند، را مداوا کردند.

وی با تاکید بر برنامه ریزی‌های فرهنگی در سازمان نظام پزشکی قم گفت: همکاران پزشک با توجه به مشغله فراوان کاری، از دیگر برنامه‌های فرهنگی و هنری دور مانده‌اند که تلاش سازمان بر این است بتوانیم، در راستای کمک به این موضوع و رفع مشکلات در این حوزه اقدام کنیم.

رئیس سازمان نظام پزشکی استان قم ابراز داشت: کمیته‌هایی از جمله هنری، ورزشی و قرآنی را همزمان با روز پزشک تشکیل دادیم که استقبال بسیار خوبی شد و افراد برتر نیز در جشن روز پزشک که همزمان با میلاد پیامبر(ص) و امام صادق(ع) برگزار شد، تجلیل شدند که امیدواریم بتوانیم در این زمینه بیش از پیش فعالیت داشته باشیم.

دکتر عادل ضمن قدردانی از تلاش‌های جامعه پزشکی گفت: جامعه سلامت در همه عرصه‌ها ایثارگری کردند که نمونه آن را در کرونا دیدیم و قبل از آن هم در دوران دفاع مقدس و مدافعان حرم و... مشاهده شده است که با همه وجود به میدان آمده و تنها هدف آنها ارائه خدمات درمانی بوده است.



دکتر سید حسن عادل رئیس سازمان نظام پزشکی استان قم با اشاره به راه اندازی نشریه سازمان نظام پزشکی گفت: جای خالی یک نشریه که پل ارتباطی باشد خالی بود که اقدامات لازم انجام و پس از دریافت مجوزها، نشریه منتشر شد.

وی افزود: البته در گذشته نیز نشریه فعالیت می‌کرد اما چند وقتی در انتشار آن وقفه افتاده بود که از امروز، این نشریه با تیم تحریریه جدید اقدام به انتشار کرد.

رئیس سازمان نظام پزشکی استان قم با گرامی داشت قیام تاریخی مردم قم بیان داشت: اولین شماره نشریه همزمان با این قیام تاریخی منتشر شد تا بتوانیم از تمامی جنبه‌های این روز عزیز استفاده کنیم.

وی گفت: در قیام تاریخی مردم قم در ۱۹ دی ماه، مردم

## ماجرای پسر مکانیکی که رئیس بیمارستان شد

را سردست گرفته بود و با فریاد می‌گفت:  
✎ پذیرش پسر مکانیک در رشته پزشکی دانشگاه  
تهران!

پدرم وقتی که دید من در دانشگاه پذیرفته شدم به من  
گفت حالا از تو تمام قد حمایت می‌کنم. دایی بنده آقای  
دکتر طباطبایی متخصص قلب هم یکی از کسانی بود که مرا  
در طول دوره تحصیل پزشکی حمایت کرد.

در دوره کودکی مادرم مرا برای درمان بیماری‌ها به  
مطب آقای دکتر جعفر عربشاهی می‌برد. آقای دکتر جعفر  
عربشاهی اکنون در قید حیات نیستند اما گمانم ساختمان  
مطب ایشان در نزدیکی تکیه آقا سید حسن هم چنان  
باشد. با دیدن او و نحوه‌ی برخورد وی با من در دوران  
کودکی علاقه به پزشکی در من نضج گرفت. از همان موقع  
دوست داشتم روزی پزشک شوم تا بتوانم مردم را با  
ملایمت و مهربانی درمان کنم.

در سال ۱۳۴۱ وارد دانشگاه علوم پزشکی تهران شدم. اگر  
بخواهم اساتیدم را که بر خلق و خو و دانش من تأثیرگذار  
بودند نام ببرم بسیار می‌شوند اما آقای دکتر حسابی در  
رشته زیست‌شناسی یکی از آن‌ها بود که بر من تأثیر بزرگی  
گذاشت. آقای دکتر گل‌گلاب که بسیاری از اشعار ملی ما  
را از جمله ای ایران را سروده بود هم یکی دیگر از آن افراد  
بود. آقای دکتر رضا قلی‌زاده و دکتر رهنما در رشته بیوشیمی  
آقای دکتر گیتی فارماکولوژی و از همه مهم‌تر آقای دکتر قریب



من غلامرضا باهر فرزند عبدالحسین متولد سال ۱۳۲۰  
هجری خورشیدی در شهر قم هستم.

پدرم تیران‌گیا اسلحه‌ساز بود و من از ۷ سالگی به ایشان  
کمک می‌کردم. ۲ برادر دارم: آقا جواد و حسین آقا. جواد  
مهندس ساختمان و حسین آقا استاد تمام دانشگاه  
هستند. خواهری ندارم.

من در دبیرستان ملی محمدیه قم به سرپرستی آقای رشاد  
درس خواندم. در سال ۱۳۴۱ در کنکور پزشکی شرکت کردم و  
با رتبه ی ۳۰۰ وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شدم.  
هنگامی که برای کنکور می‌خواندم پدرم به من می‌گفت  
تا وقتی فرزندان امرا و ارتشیان و درباریان هستند کسی  
به شما اجازه نمی‌دهد وارد دانشگاه شوید. بهتر است راه  
کاسبی را مثل من ادامه دهید و این برای شما خوب است.  
در سال ۱۳۴۱ که من در کنکور پذیرفته شدم امیرزا ابوالفضل  
یکی از روزنامه‌فروش‌های قدبلند شهر قم در محلی روزنامه

نبض قم

۴

نشریه سازمان نظام پزشکی استان قم  
دی ماه ۱۴۰۲



بود امام آن را یاد دارند. بعد امام آن جا به شوخی از من پرسیدند خب بیشتر درس می خواندید تا طب بزرگسال. آن جا سید احمد آقا از من خواست که هفته ای یک مرتبه به امام سر بزنم. چون تازه انقلاب شده بود و اعتماد به تیم پزشکان جدید وجود نداشت.

در سال ۱۳۵۸ که امام در شهر قم دچار حمله قلبی شدند آقای مرحوم اشراقی داماد امام و مرحوم سید احمد آقا مرا مطلع کردند. من به دیدن امام رفتم و با توجه به این که امام قفسه سینه شان را مالش می دادند تشخیص تنگی عروق کرونر گذاشتم. پزشکی داشتیم که در تهران ساکن بود و متخصص قلب. از ایشان خواستم که امام را ویزیت کنند. ایشان برای درمان بیماران به بیمارستان فاطمی در چهارراه بیمارستان می آمدند. ایشان هم آمد امام را ویزیت کرد و تأیید کرد که بیماری قلبی است. در زمان کودکی و در زمان ابتدای طبابت هم بزرگ ترین

در بخش اطفال.

آقای دکتر قریبی که من می شناختم مردی بود ۶۳ ساله جوگندمی بسیار اهل تقوا و مهربان. وی یکی از کسانی بود که بسیار در انتخاب رشته اطفال به عنوان تخصص بر من تأثیرگذار بود. در کنار وی می توانم به آقای دکتر معین و دکتر مزدهی و دکتر سیادت هم اشاره کنم. آقای دکتر مزدهی صاحب ابتکاراتی در زمینه ی درمان بیماری های تب روده و تب مالت بود.

روزی به همراه دکتر قریب برای ویزیت کودکان وارد بخش اطفال شده بودیم که دیدیم کودکی ادرار کرده و بو گرفته. خانم دکتر همراهم ما بود آراسته و مینی ژوپ پوشیده که بینی اش را گرفته بود. دکتر به او گفت:

دخترم تو وقتی پزشک هستی مال خودت نیستی. بهتر است گوشی پزشکی ات را بگذاری زمین و بروی سراغ شغلی دیگر، اگر از من بپرسند که چرا رفتی سراغ طب اطفال خواهم گفت یکی از دلایلی حسن خلق و معاشرت آقای دکتر قریب بود.

👉 چرا رفتم رشته اطفال؟ و شوخی امام با بنده!

یادم هست این سوال را هم اولین بار حضرت امام خمینی از من پرسیدند. روزی به درخواست سید احمد آقا برای ملاقات امام به مدرسه فیضیه رفته بودم. آن موقع امام در مدرسه فیضیه ساکن بودند. امام تا مرا دید از نوع برخورد قاطع و زیرکانه من با تیمسار از هاری یاد کردند. برایم عجیب

فرزندانش از بهترین پزشکان مقیم خارج از ایران هستند یکی از کسانی بود که در حمایت از بیماران کم بضاعت بسیار فعال بودند.

من به مدت ۴۰ سال رییس بیمارستان گلپایگانی بودم. زمین این بیمارستان را به حاج آقا حسین قمی اهدا کردند. گمان می‌کنم تولید این کار را انجام داده بود و حاج آقا حسین قمی به تأسیس بیمارستان دست زدند اما از جایی به بعد از بیت مرحوم آیت‌الله العظمی گلپایگانی درخواست کمک کردند. آقای گلپایگانی هم تمام قد برای تجهیز این بیمارستان وارد عمل شدند و من جزو اولین کسانی بودم که درگسترش و توسعه و تجهیز این بیمارستان حاضر بودم.

#### اولین دفترچه بیمه درمانی در قم

اولین دفترچه بیمه درمانی در قم را من راه انداختم. این بیمارستان قرار بود بیمارستانی مخصوص و ویژه درمان روحانیون باشد که همین‌گونه هم بود و اکنون بیمارستانی بسیار مجهز شده که البته ای کاش همچنان در همان کار خود یعنی درمان اختصاصی و ویژه روحانیون باقی می‌ماند.

در زمانی که من رییس بیمارستان گلپایگانی بودم آن قدر این بیمارستان به واسطه کمک خیرین مجهز بود که در زیرزمین بیمارستان ما انبوهی سرم داشتیم که به دیگر مراکز کمک می‌کردیم. همچنین یکی از پزشکان خارجی که از بیمارستان کرامول به ایران آمده بود از دیدن امکانات



مشکلات پزشکی قم تراخم و کچلی و اسهال و استفراغ و فلج اطفال بود که خدا را شکر الحمدلله اکنون چنین مشکلاتی نداریم.

من در دوران کودکی عموماً برای درمان به مطب پزشکی به نام آقای دکتر میرابوالفتح مالک می‌رفتم. ایشان پزشک اطفال بودند. در کنار ایشان آقایان دکتر پورکرامتی و دکتر مدرسی هم از دیگر پزشکان بسیار خوب قم بودند که خداوند همگی را رحمت کند. نکته جالب این‌که برخی از این پزشکان برای بیماران کم بضاعت که مشکل مالی در تأمین داروهایشان داشتند نامه می‌نوشتند و آن‌ها را به آقای دکتر معافی معرفی می‌کردند. دکتر معافی که

من چون پزشک بسیاری از علما هم بودم از آن‌ها خاطرات بسیار دل‌نشینی دارم که البته برخی از آن‌ها را نمی‌توانم بگویم. برای نمونه یک بار رفتم خدمت حضرت امام و به ایشان گفتم من از شما می‌خواهم که به من ذکری یاد بدهید. امام گفتند: ما سوگند خورده‌ایم که این جور چیزها را به کسی نگوییم اما می‌توانی بروی قم پیش شیخ احمد مولایی و از او بخواهی!

من آدم پیش شیخ احمد مولایی در قم. ایشان مسئول تولیت حضرت معصومه بودند و بسیاری از کارهای رفاهی و ساختمانی که در حرم حضرت معصومه انجام شد از یادگارهای ایشان است. ایشان مسئول تهیه و توزیع شهریه حضرت امام در فیضیه هم بود. به ایشان گفتم حضرت امام مرا به سوی شما فرستاده تا از شما ذکری را درخواست کنم. ایشان گفت:

من و امام با هم عهد کرده‌ایم که این ذکرها و سلوک را به کسی نگوییم.

اما در نهایت به من ذکری را داد و گفت خواص بسیار خوبی دارد. من همین خاطره را با مرحوم علامه طباطبایی هم دارم. یک بار پیش مرحوم علامه بودم و از ایشان پرسیدم: گویا شما تجربه طی الارض دارید؟

مرحوم علامه خندیدند و گفتیم: می‌خواهم به من ذکری در این باره یاد بدهید. ایشان اشاره کردند به آیاتی از قرآن و ذکر را به من آموختند.

این بیمارستان در قم حیرت‌کرده بود. گاه می‌شد من در بیمارستانم ۳ متخصص قلب هم‌زمان داشتم.

پس از انقلاب روزی در همان روزهای اول که حضرت امام در قم ساکن شده بودند مرا احضار کردند. به خدمت حضرت امام رفتم. ایشان در پارچه‌ای چیزی را به من دادند. من آن پارچه را گرفتم و بیرون بیت آن را باز کردم و دیدم ۱ میلیون تومان پول نقد است. به سید احمد آقا گفتم: با این پول باید چه کنم؟

گفتند: امام فرموده با این پول کمک به تجهیز بیمارستان و مجروحین و بیماران بکنید.

من از آن‌جا که مسئول بیمارستان مرحوم آقای گلپایگانی بود در جلسه‌ای که مرحوم آقای گلپایگانی و داماد ایشان مرحوم آقای صافی گلپایگانی حضور داشتند مطلب را مطرح کردم. آقای گلپایگانی گفت: خود حضرت امام خرج دارد. چرا ۱ میلیون تومان از ایشان را قبول کردید؟ اما دیگر قبول نکن.

من با آن ۱ میلیون تومان که آن زمان می‌شد چهارخانه خرید کمک کردم تا بیماران و بیمارستان تجهیز شود. بعد از آن هم معمولاً هر ماه امام همین مبلغ را کمک می‌کرد. مرحوم آقای صافی به من گفت:

دیگر لازم نیست این مطالب را با آقای گلپایگانی بگویید. خودتان آن ۱ میلیون تومان را به نحو مقتضی مصرف کنید در بیمارستان.





گلپایگانی کسب تکلیف کنم. طبیعتاً آقای گلپایگانی هم گفت این اجساد را فقط به بستگانشان تحویل دهید. یادم هست همان موقع آقای جنتی و مرحوم مشکینی را دستگیر کرده بودند و به کلانتری برده بودند. برخی اهالی بازار آمدند به من گفتند اگر این دونفر آزاد نشوند فردا قم شلوغ خواهد شد. من به همراه جمعی از معتمدین راه افتادیم و رفتیم به هنگ ژاندارمری در خیابان امام خمینی امروزی. در زدیم. مسوول آن جا ما را شناخت و به داخل راه دادند. با فرمانده صحبت کردم. شب بود و برایم جالب بود که مشغول نماز است. گفتم: این چه وقت نماز خواندن است؟ گفت: نماز شب می خوانم! چون می ترسم شب بیدار نشوم نماز بخوانم الان می خوانم. حالا بگو برای چه آمده ای دکتر؟ گفتم برای آزادی این ۲ نفر. گفت که اعلی حضرت دستور داده اند این ایام هر کس را گرفتید رها نکنید تا برود دادگاه.

البته به بنده گفتند خواندن این آیات رو به قبله نیاز به اخلاص بسیار زیادی دارد. من از هر کدام از علما سعی کردم چیزی را به یادگار برای خودم بردارم.

❖ قیام ۱۹ دی مردم قم از زبان رئیس بیمارستان گلپایگانی

۱۹ دی سال ۱۳۵۶ من رئیس بیمارستان گلپایگانی بودم. حوالی ساعت ۴ بعد از ظهر سروصدای زیادی شد. من آن روز منزل پدری خودم در کوچه ورزشگاه بودم. نگران فرزندم سعید شدم که در مدرسه صدر خیابان بلوار امین تحصیل می کرد و آن جا زنگ زدیم به مدرسه. رئیس آن جاگوشی را برداشت و گفت نگران نباشید ما مواظب پسران سعید هستیم. در همین حال ناگهان یک ماشین نظامی جلوی خانه ی ما پارک کرد و مرا به دم در فراخواند. آن ها به من گفتند که باید با ما به بیمارستان گلپایگانی بیایی. من از مادرم اجازه گرفتم و راهی بیمارستان شدم. در آن جا به من گفتند چند جوان با هم دعوایشان شده و با سنگ هم را زده اند و شما را آورده ایم که شهادت بدهی این ها در اثر نزاع و دعوا کشته شده اند. در انباری بیمارستان گلپایگانی جسدها را نگاه داشته بودیم. آن ها را نگاه کردم. برخی از ایشان را می شناختم. آن ها با تیر کشته شده بودند. به آن افسر نظامی گفتم: خیر من چنین نمی کنم!

آن ها تهدیدم کردند که این مسئله برای شما خطرناک خواهد بود. گفتم: مسئول این جا آقای گلپایگانی است و من فقط مسئول فنی هستم. اجازه بدهید از آقای

هست یک بار خانم آقای قرائتی که خودش هم بیمار بود ملحفه دوخته بود و برای من آورد تا در بیمارستان گلپایگانی برای بیماران بی بضاعت استفاده کنم.

طیب باید آزاده دل باشد و خدا را فراموش نکند  
اگر بخواهم کل طبابت را در یک جمله خلاصه کنم باید بگویم: طیب باید آزاده دل باشد و خدا را فراموش نکند. من کتابچه‌ای دارم به نام طلیعه باهر. اهل شعر و شاعری هستم. یادم هست یک بار که خدمت حضرت امام بودم برای ایشان شعری خواندم به این مضمون:

جمهوری که به پا شود اسلامی است  
لبیک ما به دعوت الزامی است  
امام هم به من گفتند که من نیز ذوق شاعری دارم. امام به من تابلویی دادند که این تابلو بخشی از پرده کعبه بود. آن را آقای توسلی به من هدیه کردند که الان در منزلم بالای سرم روی تخت بیماری ام نصب است.  
کتابی هم نوشتم قبل از انقلاب که جایزه سلطنتی زمان شاه را برد. من به یکی از اشعارم امید دارم که به واسطه آن شفاعت شوم:

عشق با نام علی انباز شد  
یا علی گفتیم و عشق آغاز شد  
گاهی اوقات هم شعرهایی را با مضمون طنز می‌گویم مانند این:  
هر فرد حبیب بن مظاهر نشود  
هر دوره دانشکده طب دیده  
از حیث مقام علمی باهر نشود

گفتم اگر آزاد نشوند شهر شلوغ خواهد شد. گفت باید کسب تکلیف کنم و گمانم به فردی به نام تیمسار کاتوزیان زنگ زد و او هم زنگ زد دربار و پس از مدتی گفتند اشکال ندارد به ضمانت شما آزاد خواهند شد.

در ایام انقلاب ما چند فرد را آماده کرده بودیم که بروند منزل مجروحین و آن‌ها را پانسمان کنند. برخی را هم با کمک خیرین و علما لباس نو و تروتمیز می‌پوشاندیم و به آن‌ها کفش می‌دادیم و آن‌ها را راهی خانه می‌کردیم. یادم هست همان موقع آقای دکتر بنی فاطمی و آقای دکتر مهدی زاده و آقای دکتر حیدر از جمله کسانی بودند که خیلی در درمان بیماران و مجروحین انقلاب کمکمان کردند.

آقای دکتر حیدر که پزشکی هندی بود و اکنون در خارج از ایران ساکن هستند نقشی مهم وی در مداوای بیماران مجروح انقلاب داشتند. یادم هست وقتی که پسر آقای گلپایگانی داشتند دکتر حیدر را برای مشغول شدن در بیمارستان گلپایگانی به من معرفی می‌کردند گفتند:  
هر دوی شما دکترهای خوبی هستید فقط این دکتر. اشاره به من کرد. خیلی حرف می‌زند!

در کار طبابت شما همیشه با بیماران بی بضاعت روبه‌رو می‌شوید. یادم هست آقای حاج یدالله رجبیان و آقای حسن آقای امجدی و علی آقای امجدی و کلاً خاندان امجدی - که خداوند همگی را رحمت کند. بسیار برای درمان بیماران بی بضاعت کمک می‌کردند. حاج یدالله رجبیان به گمانم در مسجد امام حسن عسکری مدفون هستند. حتی یادم



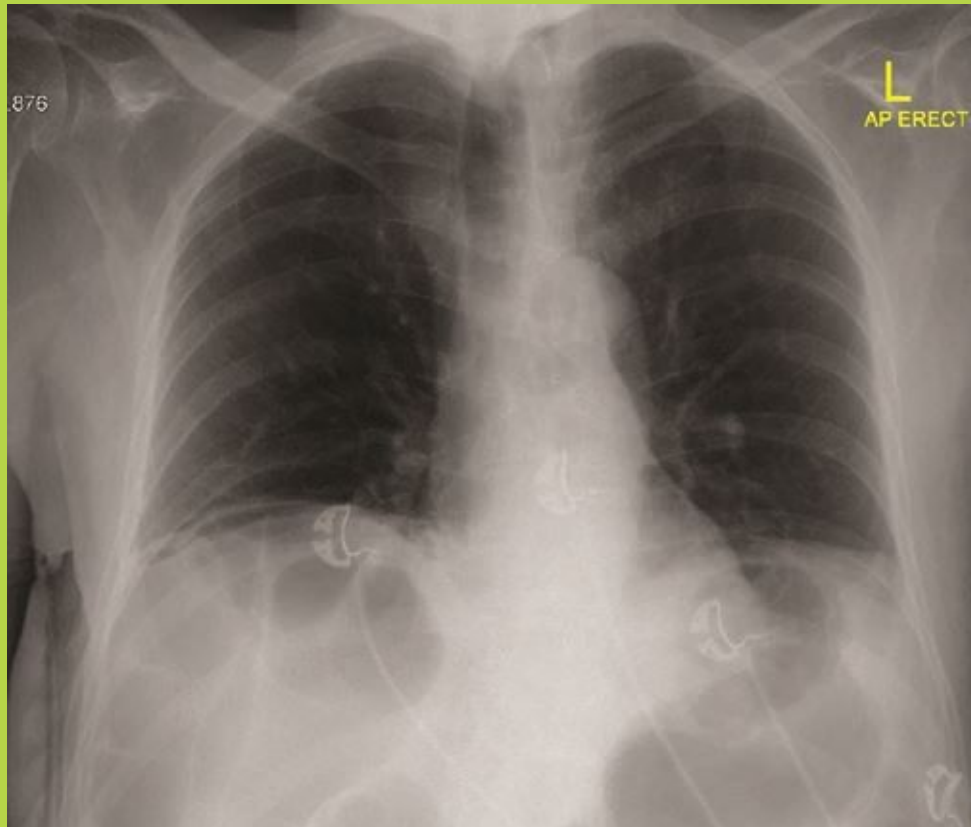
## یافته

ریم نازک هوا بین کبد و دیافراگم راست دیده می شود که مطرح کننده Chilaiditi sign بنفع Chilaiditi syndrome میباشد.

پاتولوژی واضحی در ریه دیده نمی شود.

از آنجایی که این یافته میتواند یکی از علل سودوپنوموپریتوئن باشد و با هوای آزاد زیر دیافراگم اشتباه شود توجه به وجود هوسترا در داخل گاز مشاهده شده مطرح کننده داخل لومن بودن آن و بنفع Chilaiditi sign می باشد.

بدیهی است مهمترین عامل در افتراق این دو حالت از یکدیگر شرح حال بالینی بیمار است.



## اخبار کوتاه از سازمان نظام پزشکی قم

فرهنگی، ورزشی و قرآنی جامعه پزشکی نیز با اهدا لوح و هدایایی تجلیل به عمل آمد.



رئیس و اعضای هیئت رئیسه سازمان نظام پزشکی استان قم از مرکز اهدای پلاسما بازدید کردند.



حضور رئیس سازمان نظام پزشکی استان قم در مراسم روز پرستار



رئیس سازمان نظام پزشکی استان قم و جامعه پزشکی استان در آیین تجدید میثاق جامعه سلامت استان قم با آرمان‌های شهدا هم‌زمان با هفته دفاع مقدس شرکت کردند.





جشن بزرگ روز پزشک در قم برگزار و از پزشکان نمونه استان تجلیل شد، در این برنامه همچنین از فعالان



همچنین پزشکان و پرستاران استان در سالن اجتماعات بیمارستان برگزار که طی آن از پرستاران نمونه تجلیل شد. دکتر عادل رئیس سازمان نظام پزشکی استان قم در این جلسه گفت: پزشکان در کنار پرستاران ساعت های تلخ و شیرینی در کنار هم داشته اند و ما مفتخر هستیم که در استان قم پرستاران با اخلاق، با سواد و با کمال و متین داریم که در راستای کمک به روند درمان بیمار تلاش می کنند. وی افزود: پزشکان و پرستاران یک خانواده هستند و مطالبات آنها به حق است و ما نیز همواره از حق پرستاران دفاع می کنیم. شایان ذکر است در این جلسه از سوی سازمان نظام پزشکی استان قم مقرر شد تا به ۱۰ پرستار تسهیلات قرض الحسنه به مبلغ ۱۵ میلیون تومان اهدا شود.

همزمان با سالروز میلاد حضرت زینب کبری (س) آیین روز پرستار و تجلیل از پرستاران نمونه استان، در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) برگزار شد که دکتر عادل رئیس سازمان نظام پزشکی استان قم در این مراسم شرکت و از خدمات پرستاران قدردانی کرد.



جلسه هیات مدیره سازمان نظام پزشکی استان قم برگزار و مسائل و طرح ها بررسی شد.   **قدردانی هیئت مدیره سازمان نظام پزشکی قم از تلاش های پرستاران استان** در این مراسم از تلاش ها و خدمات ارزنده پرستاران قدردانی شد. همچنین همزمان با هفته پرستار، جشن پرستاران در مجتمع بیمارستانی شهید بهشتی - امیرالمومنین (ع) قم برگزار شد. این آیین با حضور مسئولان استانی و بیمارستانی و

## قیام ۱۹ دی مردم قم و جرقة های انقلاب شکوه مند اسلامی ایران



و همچنین فضای باز سیاسی دانسته شده که از واسطه سال ۱۳۵۵ش در ایران آغاز شده بود. حرکت های اعتراضی مردم از ۱۸ دی آغاز و در عصر نوزدهم به خشونت کشیده شد و طبق آمار رسمی حکومت پهلوی شش تن کشته شدند. برخی مراجع تقلید و گروه های ملی و مذهبی کشتار معترضان را محکوم کردند. مراسم چهلم شهدای قیام ۱۹ دی در تبریز نیز به خشونت کشیده شده و ده ها نفر کشته شدند. برگزاری مراسم چهلم شهدای هر کدام از وقایع، سبب کشته شدن شماری دیگر می شد و زمینه برای حوادث تازه ای در چهلم بعدی فراهم می شد.

پس از این واقعه، مخالفت با نظام پهلوی از گروه هایی خاص به توده مردم گسترش یافت و میان عالمان شیعه ایران وحدتی نسبی برقرار شد. کتاب هایی مانند «جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در پیروزی انقلاب اسلامی» و «حماسه

تجمع و راهپیمایی مردم و طلاب شهر قم در سال ۱۳۵۶ش، در اعتراض به انتشار مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه اطلاعات که در بخشی از آن مطالبی علیه امام خمینی بیان شده بود، صورت گرفت. این اعتراض از ۱۸ دی آغاز و تا ۲۰ دی به طول انجامید و اوج آن در ۱۹ دی رخ داد. قیام ۱۹ دی سرآغاز سلسه حرکت های اعتراض آمیز مردم علیه نظام پادشاهی پهلوی دانسته شده که منجر به انقلاب اسلامی ایران شد.

زمینه اصلی این قیام، چاپ مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» بود. در این مقاله امام خمینی عامل ارتجاع (پسرفت) و مسئول خون های ریخته شده در واقعه پانزده خرداد شمرده شد. هدف از انتشار این مقاله را تخریب چهره امام خمینی دانسته اند. از دیگر زمینه ها و عوامل قیام ۱۹ دی، مرگ مشکوک سید مصطفی خمینی



در حکومت پهلوی، تصمیم به نگارش و انتشار این مقاله از طرف شخص محمدرضا پهلوی یا ساواک یا هیئت دولت بوده است.

هدف از این مقاله تخریب چهره امام خمینی و ایجاد اختلاف میان روحانیان سنتی که درگیری کمتری با حکومت پهلوی داشتند و روحانیان مخالف حکومت پهلوی بود.

#### 📌 شرح واقعه

اوج قیام ۱۹ دی عصر ۱۹ دی ۱۳۵۶ ش در قم رخ داد. معترضان شامل طلاب و بازاریان قم و نیز گروهی از بازاریان و دانشگاہیان تهران بودند. آیت الله نوری همدانی که در آن زمان یکی از مدرسان و مجتهدان قم بود، در منزل خود برای معترضان سخنرانی کرد. جمعیت حاضر پس از سخنرانی به سمت چهارراه بیمارستان (چهارراه شهدای کنونی) حرکت کردند؛

۱۹ دی قم ۱۳۵۶» در موضوع قیام ۱۹ دی منتشر شده است.

#### 📌 اهمیت و جایگاه

قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ سرآغاز سلسله حرکت‌های اعتراض‌آمیز مردم ایران علیه نظام پادشاهی پهلوی بود، از این تظاهرات، به‌عنوان شروع مرحله‌ای جدید در نهضت اسلامی و عامل شتاب در جریان انقلاب یاد شده است.

یکی از عوامل شتاب انقلاب پس از ۱۹ دی، مراسم‌ها و تظاهرات‌های پی‌درپی پس از واقعه ۱۹ دی دانسته شده است. مراسم چهل‌م شهدای قیام ۱۹ دی در تبریز و مراسم چهل‌م شهیدان واقعه تبریز در یزد، تهران، مشهد، اصفهان و شیراز برگزار شد. برگزاری مراسم چهل‌م هر کدام از وقایع، سبب کشته‌شدن شماری دیگر می‌شد و زمینه برای حوادث تازه‌ای در چهل‌م بعدی فراهم می‌گشت. پس از یک سال و یک ماه، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نظام پادشاهی پهلوی سقوط و انقلاب اسلامی پیروز شد.

#### 📌 انتشار مقاله ایران و استعمار سرخ و سیاه

عامل اصلی قیام ۱۹ دی، انتشار مقاله‌ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه اطلاعات بود. این مقاله به مناسبت روز کشف حجاب و نزدیکی سالگرد انقلاب سفید در ۱۷ دی ۱۳۵۶ به چاپ رسید. نام نویسنده احمد رشیدی مطلق بود که آن را مستعار دانسته‌اند. به‌گفته سر آنتونی پارسونز، سفیر سابق انگلیس در ایران، با توجه به سلسله مراتب تصمیم‌گیری



باعث تعطیلی درس‌های حوزه در این روز نیز شد. تظاهرکنندگان به خانه برخی مراجع تقلید و مجتهدان وقت رفتند و آنها برای تظاهرکنندگان سخنرانی کردند. روز ۲۰ دی نیز گروهی از مردم در منزل آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی، مرجع تقلید، تجمع کردند که با حضور پلیس به درگیری و خشونت کشیده شد. بر اساس گزارش ساواک، شمار تظاهرکنندگان حدود ۱۰ هزار نفر بوده است.

قیام ۱۹ دی واکنش‌هایی را در پی داشت؛ حکومت پهلوی ۲۵ یا ۲۷ تن از معترضان را از قم تبعید کرد. برخی از مراجع تقلید مانند آیت الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی در ۲۲ دی، قتل معترضان در واقعه ۱۹ دی و محتوای مقاله ایران و استعمار سرخ و سیاه را محکوم کردند. همچنین برخی از گروه‌های سیاسی کشته شدن معترضان در روز ۱۹ دی را محکوم کردند.

شعارهای معترضان «مرگ بر حکومت یزیدی» و «درود بر خمینی» بود. پس از آن میان تظاهرکنندگان و نیروهای حکومت پهلوی درگیری به وجود آمد. در نزدیکی چهارراه بیمارستان تیراندازی شد و شماری از تظاهرکنندگان کشته و زخمی شدند.

فعالان سیاسی ضد حکومت پهلوی در اعتراض به انتشار مقاله ایران و استعمار سرخ و سیاه، تصمیم به تعطیلی حوزه علمیه قم در ۱۸ دی گرفتند. این تصمیم به مراجع تقلید وقت اعلام شد. روز ۱۸ دی درس‌های حوزه علمیه قم تعطیل شد و طلاب به منازل برخی مراجع تقلید رفتند و آنها در جمع طلاب سخنرانی کردند.

بازاریان قم در صبح ۱۹ دی، اعلامیه‌ای در حمایت از حوزه و مرجعیت امام خمینی صادر کرده و بازار را تعطیل کردند. حرکت بازاریان به سمت حرم حضرت فاطمه معصومه (س) و همراهی طلاب با آنان،



## یک خاطره آموزشی و یک تجربه عینی

بهبود نیافته بود. از آنجاکه درمان، کاملاً صحیح و مبتنی بر تشخیص آسم بود، از بیمار خواستم اسپری های خود را در مقابل بنده استفاده کند. با استفاده ناصحیح، گازهای درون اسپری از دهان و بینی او خارج شد و چون دیدم شیوه مصرف را نمی داند، به جای تغییر داروها به وی پیشنهاد کمک گرفتن از یک آسم یار را آموزش دادم که پس از آن تصمیم گرفتم این خاطره را برای آموزش بهتر، به شکلی موزون و به زبان شیرین شعر در قالب مثنوی در اختیار همکاران عزیز قرار دهم:

در روزهای پایان تحصیل دانشگاهی که در بخش ریه دوران انترنی را می گذراندم، یک مجله آموزشی از یکی از اساتید ریه همیشه در ذمهم جاری بود. ایشان در حال معاینه بیماران و آموزش به ما به نکته ی مهمی اشاره داشتند و آن، اینکه اگر بهترین درمانگر حوزه ی بیماری های ریوی باشید و به بیماران خود آموزش صحیح مصرف دارو از جمله اسپری های مصرفی را ندهید، فقط نام پزشکی یدک می کشید که بیمار از شعار تائیری نخواهد گرفت. تا اینکه در دوران طبابت خود به بیماری برخورد کردم که نسخه ای از یک متخصص را در اختیار داشت و

این همه داروهای خوب و پزئمر  
از چه رو ننموده در کودک، اثر  
در میسر مبهم این جست و گشت  
ناگهان از خاطرم فکری گذشت  
پا نمودم با مضامین دلی  
در میان کفش دکتر عادل!!  
اسپری را خواستم در کف کند  
یک، دو پافی نزد من مصرف کند  
با فشار اسپری، گاز دورن  
از دهان و بینی اش آمد برون

ای طبیب معتمد، «دکتر طبا!»  
کودکم را زین مصیبت کن رها  
از زیانش چون شنیدم شرح حال  
آسم، در ذهنم بیامد بی مجال  
نسخه ی او را دمی کردم نظر  
تاکنم تجویز، دارویی دگر  
لیک داروهای کودک safe بود  
بی جهت تغییر آنها حیف بود  
فکر کردم مشکل کودک کجاست  
کاینچنین بیمار، اینک نزد ماست

از خیابان شلوغ رودکی  
مادری آورد نردم کودکی  
داشت در کف نسخه ای از شهری  
حاوی آمپول و قرص و اسپری  
گفت هر جا بردمش سودی نداشت  
هر چه مصرف کرد بهبودی نداشت  
گفت هر بویی که او حس می کند  
سرفه و گه گاه خس خس می کند  
شب که می خوابد کنارم روی تخت  
می کشد زجر از تنفس های سخت

نبض قم

۱۶

نشریه سازمان نظام پزشکی استان قم  
دی ماه ۱۴۰۲



چون که دیدم شیوه‌ی مصرف خطاست  
تازه فهمیدم که مشکل از کجاست  
جای دارو دادمش یک آسم یار  
تاکنار اسپری گیرد به کار  
یاد دادم راه مصرف را به او  
تا نیفتد در مسیر جستجو  
اسپری را خود نهادم دست او  
بین انگشت نشان و شست او  
تا دهد آنرا تکان اندر کف اش  
قبل استنشاق گاز داخلش  
خواستم آن کودک بی کینه را  
از نفس خالی نماید سینه را  
بعد از آن پافی زند در آسم یار  
با دمی، اندر ریه گیرد به کار  
حبس، بنماید نفس را در ریه  
در حدود پنج، تا شش ثانیه  
بعد از این آموزش بی غل و غش  
شد روان کودک به سوی خانه اش  
هفته ای بگذشت و کودک خوب شد  
عاقبت بیماری اش سرکوب شد

شاعر:

دکتر سید محمد طباطبایی

## گزارش تصویری از جشن روز پزشک







## مدافعان سلامت در کنار مردم







## نشریه سازمان نظام پزشکی استان قم

- ↳ مدیرمسئول: دکتر سید حسن عادلی
- ↳ سردبیر: دکتر طباطبایی
- ↳ دبیر اجرایی: سید مهدی حسینی
- ↳ اعضای هیئت تحریریه: دکتر خوشگفتار،  
دکتر قادری، دکتر موسوی حرمی، دکتر سکوتی،  
آقای اشعری

هرگونه پیشنهاد و یا انتقاد را از طریق آی دی سازمان نظام پزشکی استان قم در پیام رسان ایتا به آدرس: @nezampezeshekiqom ارسال فرمایید



سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران  
استان قم

 @pezeshkiqom

 <http://qom-irimc.ir>